

کاربرد نظریه زیبایی‌شناسی دریافت در تدوین کتابنامه‌های ادبی

نغمه دادور*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در آفاق پژوهش‌های ادبی، فهرست‌های کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی بسیاری وجود دارد که به دو صورت اجمالی و توصیفی فراهم آمده است. در گونه اول، فقط اطلاعات کتاب‌شناختی مقالات و کتاب‌ها و در نوع دوم، خلاصه‌ای از محتوای اثر نیز ذکر می‌شود. در دهه اخیر و با انتشار کتاب **فرهنگ سعدی پژوهی** ژانر تازه‌ای از کتابنامه‌های ادبی شکل گرفت که جز ذکر خلاصه محتوای کتاب‌ها و مقالات، به داوری آن‌ها نیز می‌پرداخت.

به زعم نگارنده، امروزه پژوهشگران ادبی نیازمند گونه‌ای تازه از کتابنامه‌های ادبی هستند؛ زیرا اکنون با مراجعه به فهرست‌های دیجیتال کتابخانه‌ای و تارنماهای نمایه‌ساز می‌توان به اطلاعات اجمالی و توصیفی خوبی در باب کتاب‌ها و مقالات دست یافت. به نظر می‌رسد کتاب‌شناسی‌های دهه اخیر نیز به این دلیل که به تحلیل چرایی و چگونگی شکل‌گیری کتاب‌ها و مقالات درباره اثر ادبی و علل توجه و بی‌توجهی به آن در طول زمان پرداخته، قابل نقد و بازنگری است.

در جستار پیش‌رو، ضمن ذکر پیشینه فهرست‌های کتاب‌شناسی و کتابنامه‌های ادبی گفته شده است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از نظریه زیبایی‌شناسی دریافت، به گونه‌ای خواندنی‌تر از کتابنامه‌های ادبی دست یافت.

واژه‌های کلیدی: کتابنامه، کتاب‌شناسی، کتاب‌سنجی، کتابنامه‌های ادبی، زیبایی‌شناسی

دریافت.

* نویسنده مسئول: naghme.dadvar80@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۳

۱. تعریف اصطلاحات

به منظور شناسایی گونه و سبک کتابنامه‌های ادبی موجود در حوزه ادبیات فارسی، در آغاز سخن لازم است برخی واژگان مورد استفاده در حوزه فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی را تعریف کنیم.

در زبان انگلیسی، برای هر دو اصطلاح «کتابنامه» و «کتاب‌شناسی» واژه Bibliography به کار رفته است؛ اما در دانش اطلاع‌رسانی و در زبان فارسی عموماً مراد از کتاب‌شناسی مشخصات کتاب‌شناختی یک مدرک و مقصود از کتابنامه فهرستی از مشخصات کتاب‌شناسی مدارک متعدد است (محمدی‌فر، ۱۳۸۰: ۹۰).

کتابنامه‌ها اقسام گوناگونی دارند که در ادامه، برخی از مهم‌ترین نمونه‌های آن را توضیح می‌دهیم:

- کتابنامه ساده:^۱ فقط حاوی نشانی کتاب‌شناختی آثار است و عموماً در بخش پایانی کتاب‌ها و مقالات پژوهشی، با عنوان کتابنامه ذکر می‌شود.

- کتابنامه توصیفی:^۲ هر مدخل علاوه بر نشانی کتاب‌شناختی، حاوی توصیف کلی و غیرانتقادی از کتاب است که شرحی جامع درباره موضوع و محتوای کتاب به دست می‌دهد.

کتابنامه توضیحی:^۳ هر مدخل علاوه بر نشانی کتاب‌شناختی، شامل توضیح دلخواه غیر از توصیف نیز است؛ مثلاً توضیح مختصری درباره محتوا، کاربرد، ارزش و اهمیت کتاب. این نوع از کتابنامه را انتقادی نیز می‌نامند؛ زیرا بی‌طرفانه نوشته نمی‌شود و ممکن است نویسنده کتابنامه فقط به جنبه‌های خاصی از منبع توجه نشان داده باشد. از سوی دیگر، این کتابنامه ممکن است حاوی نکات خاصی باشد که برای مجموعه‌ای از مخاطبان سودمند باشد.

کتابنامه نقد و بررسی کتاب:^۴ هر مدخل آن شامل نقد و بررسی یا نقد است؛ به عبارت دیگر، هر نوع مطلب شامل مقاله، نقد و نظر، یادداشت و غیره است که یک یا چند کتاب را به طور انتقادی معرفی می‌کند. این نوع از کتابنامه ممکن است شامل نظر شخصی و پیش‌نگرش نگارنده آن باشد.

برخی دیگر از انواع کتابنامه‌ها نیز عبارت‌اند از: کتابنامه شمارشی یا نظام‌یافته،^۵ کتابنامه تحلیلی،^۶ کتابنامه انتقادی،^۷ کتابنامه تاریخی،^۸ کتابنامه متنی،^۹ کتابنامه موضوعی و کتابنامه گزینشی^{۱۰} (ر.ک: همان، ۹۰-۹۷؛ حری، ۱۳۹۱: ۲۱۸-۲۲۲؛ دانشگاه تورنتو، ۲۰۱۵؛ یوان.سی، ۲۰۱۵).

اصطلاح ضروری دیگری که دانستن مفهوم آن در شناسایی سبک و گونه کتابنامه‌های ادبی ما را یاری خواهد کرد، «کتاب‌سنجی» است. کتاب‌سنجی دانش بررسی آماری چگونگی و میزان استفاده از کتاب‌هاست. هدف از کتاب‌سنجی مشخص کردن سیر تحول موضوعات در متون و منابع، تعریف محدودیت‌های موجود در قلمروهای موضوعی، نشان دادن اهمیت نسبی انواع گوناگون کتاب‌ها در قلمروهای موضوعی مختلف و از این دست است (کومار، ۱۳۷۴: ۳۸۰).

۲. پیشینه کتابنامه‌های ادبی در ایران

از آنجا که در سده‌های پیشین محدود بودن مؤلفان و مصنفان و نیز دشواری‌های تهیه کاغذ و نسخه‌نویسی شمار کتاب‌ها را محدود می‌کرد و از میان همین تعداد اندک نیز بخشی از آن‌ها در جنگ‌ها و در آتش جهل یا عداوت مهاجمان می‌سوخت، تهیه فهرست‌های اجمالی و توصیفی از تصنیف‌ها و تألیف‌ها از دیرباز مورد توجه قرار گرفت. *الفهرست* اثر محمدبن ابی‌یعقوب اسحاق الندیم از کهن‌ترین نمونه‌هایی است که امروزه در دست داریم. این اثر به روایت مؤلف آن:

فهرستی است از تمام کتاب‌های امم از عرب و عجم که در رشته‌های گوناگون علمی، به زبان و خط عربی موجود بوده، با تاریخچه‌ای از مصنفان و طبقات مؤلفان و سلسله خانوادگی و تاریخ تولد و دوره زندگانی و وفات آنان و جاهای و شهرهایی که در آن مقیم بوده و صفات نیکو و ارجمند یا زشت و ناپسندی که داشته‌اند (الندیم، ۱۳۸۱: ۳).

سنت فهرست‌نویسی تقریباً به همین شکل و بی‌کم‌وکاست تا روزگار معاصر ادامه داشته است؛ اما در سال‌های اخیر و در حوزه ادبیات فارسی کتابنامه‌هایی که خلاصه‌ای از محتوای آثار را نیز به دست داده، بیشتر مورد توجه بوده است. این آثار محصول

شرایطی است که در آن، تعداد کتاب‌ها در حوزه‌های پژوهشی مختلف پرشمار، دسترسی به همه آن‌ها دشوار و مطالعه آنان مستلزم صرف وقت، هزینه و گاه سفر به دیگر شهرهاست. شاید از همین روست که شادروان افشار فراهم آوردن چنین فهرست‌هایی را کاری دشوار و به‌راستی وقت‌گیر می‌داند که پردازنده آن می‌بایست رنج بسیاری را تحمل نماید و سرانجام نیز نتیجه زحمات وی آن‌طور که باید و شاید، در جامعه فرهنگی ایران شناخته نمی‌شود (ر.ک: افشار، ۱۳۵۲: ۱۱).

فرهنگ سعدی پژوهی نخستین نمونه از این دست است که به‌کوشش کاووس حسن‌لی در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید و الگوی کتابنامه‌های ادبی پس از خود قرار گرفت. این اثر به‌خوبی نمایانگر نیاز پژوهشگران ادبی به شناسایی و طبقه‌بندی دقیق‌تر پژوهش‌های ادبی بود. حسن‌لی (۱۳۸۰: ۷) معتقد است از آنجا که بیشتر کتاب‌شناسی‌ها فقط به فهرست‌نویسی مشخصات کتاب‌ها و مقاله‌ها بسنده کرده و بسیاری از پرسش‌ها بی‌پاسخ رها شده، لازم است پس از بازیابی و شناسایی مقاله‌ها و کتاب‌ها، همه این نوشته‌ها بر بنیاد طرحی منظم و یکدست معرفی، نقد و بررسی شود.

حسن‌لی همچنین در اثر خویش به بررسی تأثیر و تأثر کتاب‌ها و مقالات پرداخت تا در روند سعدی‌پژوهی از انجام یافتن پژوهش‌های همگون و پدید آمدن نوشته‌های تکراری و همسان کاسته شود. وی در مقدمه، با ارائه نمودارهایی، به توصیف و تحلیل این موارد پرداخت: سیر صعود و نزول پژوهش در باب سعدی در زمان‌های مختلف، طبقه‌بندی موضوعی پژوهش‌های سعدی‌شناسی، موضوعات کم‌اقبال و پراقبال در حوزه سعدی‌پژوهی و مقایسه آثار سعدی از حیث میزان توجه پژوهشگران به آن‌ها.

در سال‌های اخیر، این الگوی پژوهشی بسیار مورد اقبال قرار گرفت و کتاب‌شناسی‌های دیگری با بهره‌گیری از این شیوه پدید آمد؛ از جمله **کتاب‌شناسی توصیفی سنایی غزنوی، فرهنگ شرح‌های حافظ، کتاب‌شناسی توصیفی و مقاله‌نمای بیهقی، راهنمای موضوعی حافظ‌شناسی، کارنامه تحلیلی خیام‌پژوهی در ایران، فرهنگ نظامی‌پژوهی و کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه** (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷).

این آثار در زمره نخستین تلاش‌ها برای ایجاد تحول در شیوه‌های پیشین فراهم آوردن کتاب‌شناسی است و از آن‌رو که مؤلفان آن کوشیده‌اند کتابنامه‌های ادبی را با

نیازهای پژوهشی روزگار خویش مطابقت دهند، ارزشمند و درخور تحسین‌اند؛ اما آیا این کتاب‌شناسی‌ها پاسخ‌گوی نیازهای پژوهشی محققان ادبی زمانه ما نیز است؟

۳. لزوم بازنگری در شیوه نگارش کتابنامه‌های ادبی

در حال حاضر، کتابنامه‌های ادبی که اغلب واژه‌های «توصیفی»، «تحلیلی» و «انتقادی» را در عنوان خود دارند، مجموعه‌های مفصلی از «مرور و معرفی»^{۱۱} آثار چاپ‌شده درباره متن ادبی هستند؛ این فهرست‌های توصیفی گاه نیز با برخی اظهارنظرهای ارزش‌گذارانه همراه است. واپسین نمونه از این نوع، *کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه به همراه انگاره‌های نویسنده از هر کتاب اثر زهرا قربانی‌پور* است که در بخش انگاره‌های آن جملات ارزش‌گذارانه پرشماری از این دست دیده می‌شود:

- ذوق و سلیقه نویسنده شایسته تحسین است (قربانی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۷۱).
- نویسنده به دنبال ساختن نهج‌البلاغه‌ای دیگر از شاهنامه بوده است (همان، ۲۶۷).
- در روزگار ما آثاری که در زمینه شاهنامه‌شناختی روانه بازار شده، بسیار است؛ به گونه‌ای که هرکسی دست به قلم برده و عرض‌اندام کرده است (همان، ۳۲۳).
- از دیدگاه من، بررسی تمام تصویرهای محسوس در شاهنامه کاری عظیم و شایسته تحسین و بی‌شک چراغی فراروی ما برای شناخت دقیق‌تر و علمی‌تر این شاهکار ملی است (همان، ۳۲۶).

این نوع کتابنامه‌ها از این جهت که فقط نظر نگارنده آن‌ها درباره کتاب‌ها و مقالات را دربردارند، جامعیت ندارند و گونه‌ای ابداعی هستند. اما در مجموع، کتابنامه‌های ادبی موجود غالباً کتابنامه‌هایی توصیفی - انتقادی‌اند که مؤلف کوشیده است در برخی موارد با کتاب‌سنجی و بهره‌گیری از روش‌های آماری و ریاضی به روشنگری درباب میزان اثرپذیری کتاب‌ها از یکدیگر و حوزه‌های مورد علاقه پژوهش نیز بپردازد. این گونه آثار برای چند دهه راهگشا بوده‌اند.

اما دلایل ما برای بازنگری در شیوه تدوین این آثار چیست؟ نخست اینکه، در حال حاضر موتورهای جست‌وجو در وب، بسیاری از اطلاعات توصیفی درباب کتاب‌ها و مقالات را دربردارد و تارنماهای بسیاری نیز وجود دارد که کتاب‌ها و مقالات پدیدآمده

درباره متون ادبی مختلف را معرفی کرده و چکیده‌ای از آن‌ها را در اختیار خوانندگان قرار داده است. علاوه بر این، راهبردهای تازه‌تری هم برای دیجیتالی کردن نمایه‌های کتابخانه‌ای هست که در آینده نزدیک ما را از فهرست‌های توصیفی بی‌نیاز خواهد کرد. کتابداران درصددند «ابرداده»های توصیفی را به فهرست‌های کتابخانه‌ای بیفزایند. ابرداده توصیفی شامل عنوان کتاب، مبدع آن، موضوع، تاریخ، کلیدواژه و چکیده‌ای از کتاب است (ر.ک: دیگن و تانر، ۱۳۹۴: ۱۷۰). در این صورت، این پرسش طرح می‌شود که آیا با تکمیل فهرست‌های دیجیتالی و تکامل نمایه‌های اینترنتی، پژوهشگران ادبی نیازمند تهیه و تدوین کتابنامه‌های روزآمدتری نخواهند بود.

دوم اینکه، در برخی از این گونه آثار پژوهشگر علاوه بر توصیف، به نقد کتاب‌ها نیز پرداخته و ارزش و اعتبار آن‌ها را در مقایسه با دیگر آثار هم‌ارز آن سنجیده است. این کار البته، کوشش پرزحمت و پرثمری است؛ اما این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که با نظر به تفاوت در سبک، درون‌مایه، دانش مؤلف و زمینه‌های شکل‌گیری هر کتاب، آیا مقایسه این آثار با یکدیگر نوعی ارزش‌گذاری محسوب نمی‌شود؟

سوم اینکه، در برخی از این آثار مؤلفان از شیوه‌های کمی بهره برده و نمودارهایی نیز ترسیم کرده‌اند که بر مبنای آن‌ها به توصیف روند صعود و نزول پژوهش‌های ادبی درباره یک متن پرداخته و گاهی موضوعات مورد توجه در هر حوزه را مشخص کرده‌اند. حال باید پرسید آیا از پژوهشگر ادبی انتظار نمی‌رود گامی فراتر نهاده، به تحلیل داده‌های تحقیق خویش نیز بپردازد؟ اگر این گونه است، با چه شیوه‌ای می‌توان به تحلیل این داده‌ها پرداخت؟ چگونه می‌توان فهمید که چرا موضوعی خاص در یک محدوده زمانی مورد توجه قرار گرفته یا به آن بی‌توجهی شده است.

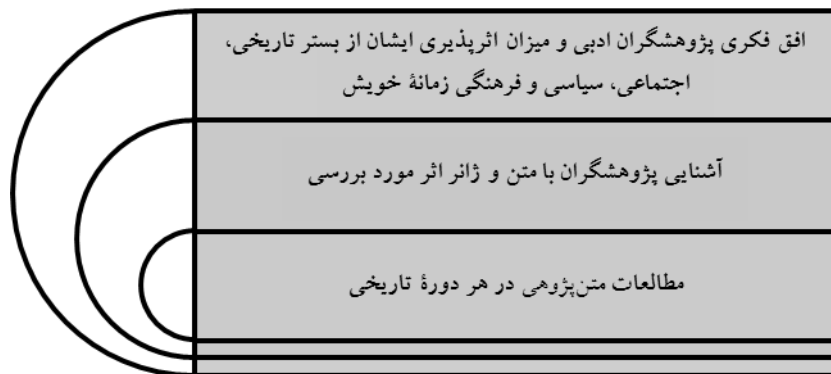
۴. پیشنهاد راهکار تازه برای تهیه کتابنامه‌های ادبی

واقعیت انکارناشدنی درباره فهرست‌های ادبی موجود این است که این گونه آثار همچون دایرةالمعارف‌ها، محققان را فقط در صورت نیاز وادار به مراجعه می‌کنند؛ درحالی که می‌توان با اندکی تغییر در رویکرد نگارش این آثار، آن‌ها را خواندنی‌تر

کرد. پیشنهاد نگارنده برای دست یافتن به گونه‌ای خواندنی‌تر از کتابنامه‌های ادبی بدین شرح است:

۴-۱. توجه به کتاب به عنوان واحدی فرعی از یک افق فکری

در فراهم آوردن کتابنامه‌های ادبی، هر کتاب نماینده افق فکرای است که انگیزه پدید آمدن آن کتاب بوده است. آن‌گونه که در نمودار ذیل هم نشان داده شده است، اگر هر دوره تاریخی را به صورت یک دایره در نظر بگیریم، پژوهش‌های ادبی پدیدآمده در آن دوره در مرکز دایره قرار می‌گیرد و این نقطه کانونی را دو لایه مهم احاطه می‌کند: نخستین لایه، میزان آشنایی مؤلفان آن با متنی است که بررسی کرده‌اند. آگاهی پژوهشگران ادبی از ویژگی‌های سبکی، مفهومی، لغوی، دستوری، بلاغی و نظایر آن از عوامل عمده مؤثر بر شکل‌گیری پژوهش‌های ادبی ایشان است و رویکرد آن‌ها به متن ادبی را تعیین می‌کند. دومین لایه، افق فکری پژوهشگران ادبی است. این افق متأثر از شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمانه ایشان است و می‌تواند با وجود تفاوت در رویکردهای پژوهشگران و میزان آشنایی ایشان با متون ادبی، پدیدآور طیفی از پژوهش‌ها باشد که به عنوان پیکره‌ای گفتمانی قابل شناسایی و بررسی است.



شکل ۱ طیف‌های متن پژوهی

در تهیه کتابنامه‌های ادبی باید به این نکته توجه کرد که هر کتاب نسبت به افق فکری‌ای که آن کتاب جزئی از آن است، واحدی فرعی شمرده می‌شود؛ درحالی که در نمونه‌هایی که امروزه در دست است، عموماً هر کتاب به‌عنوان جزئی یگانه پذیرفته و بررسی و نقد شده است، نه به‌عنوان عضوی از پیکره گفتمانی.

اگر بپذیریم که هر کتاب جزیره‌ای دورافتاده و منفرد نیست که فقط بتوان به توصیف ساختار، بررسی انسجام و بیان ایرادات شکلی و محتوایی آن پرداخت، آن‌گاه خواهیم توانست مجموعه‌ای از کتاب‌ها را کشف کنیم که در کنار و در ارتباط با یکدیگر و عوامل شکل‌گیری‌شان پیکره‌ای واحد را ساخته‌اند که هم برساخته یک افق فکری است و هم در شکل‌گیری آن افق فکری مؤثر بوده است.

همچنین، در فراهم آوردن کتابنامه‌های ادبی باید به این نکته توجه کرد که بررسی و نقد یک‌به‌یک کتاب‌هایی که سال‌ها پیش منتشر شده با معیار دانش امروز، کاری پرزحمت و کم‌ثمر است. اگر بخواهیم بنابر نگرش‌های انتقادی، علمی یا ایدئولوژیک امروز، کتاب‌هایی را که در شرایط علمی و ایدئولوژیک کاملاً متفاوتی تولید شده‌اند، نقد و تحلیل کنیم، چه بسا بسیاری از آن آثار را - اگر نه بی‌ارزش - کم‌ارزش تلقی کنیم؛ درحالی که هریک از آثار یادشده در بستر زمانه خویش نقش دیگری را ایفا کرده است (ر.ک: آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

از چنین دیدگاهی، هر پژوهش ادبی هر چقدر هم تُنک‌مایه، به‌منزله جزئی از یک افق فکری و سطری از «تاریخ معنا»^{۱۲} متنی که به بررسی آن پرداخته است، درخور تأمل و بررسی خواهد بود.

۲-۴. تاریخی‌نگری و بهره‌گیری از نظریه زیبایی‌شناسی دریافت

کشف تاریخ معنای متن آرمانی بود که هانس رابرت یاوس،^{۱۳} پژوهشگر ادبی و منتقد آلمانی، حدود نیم‌قرن پیش در سر داشت. وی بر این باور بود که هر متن ناکامل و ناتمام است و در جریان خواندن آن، خواننده به آن شخصیت می‌دهد. او اعتقاد داشت که متن با خوانندگان در هر دوره تاریخی گفت‌وگو می‌کند، از آن‌ها می‌پرسد و به سؤالاتشان پاسخ می‌دهد.

یاوس پاسخ‌های هر طیف از مخاطبان را نمایانگر «افق انتظارات»^{۱۴} مخاطبان از آن متن می‌دانست و مجموعه آفاق انتظارات مخاطبان در طول تاریخ حیات متن را «تاریخ معنا»ی متن یا «تاریخ تأثیرگذاری» آن نامید.^{۱۵} وی وظیفه پژوهشگر ادبی را توصیف و مقوله‌بندی این تاریخ می‌دانست و معتقد بود تاریخ هر متن، فقط شامل زمان، مکان و چگونگی پدید آمدن و اطلاعاتی درباب مؤلف آن نیست. از نگاه یاوس، تاریخ هر متن ادبی علاوه بر این‌ها شامل چگونگی دریافت و پذیرش آن در طول سال‌های حیات آن متن نیز بود.

حاصل این دیدگاه، دستیابی به شیوه‌ای نو برای بازنگری و بازنویسی تاریخ ادبیات بود. یاوس که کتاب‌های تاریخ ادبیات در زمانه خود را ناکارآمد می‌دانست، در پی کشف و ارائه راهکارهایی برای تألیف گونه‌ای خواندنی‌تر از این کتاب‌ها بود. او معتقد بود با نگاهی تاریخی به هریک از شاهکارهای ادبی^{۱۶} می‌توان از دیدگاه تازه‌ای تاریخ حیات متن و سرگذشت آن را نوشت (Jauss, 2005: 3). از دید یاوس، مخاطبان آثار ادبی در طول تاریخ تجربه زیبایی‌شناختی شخصی خود را هم وارد بازی فهم و درک متن کرده‌اند و از همین‌رو، تاریخ اثر ادبی شرح روند تاریخی درک و دریافت آن است (همان، ۳۷).

به گمان یاوس، اگر قرار باشد تاریخ ادبی احیا شود، پیش‌داوری درباره معنای عینی متن باید کنار گذاشته شود. وی به‌جای نگاه سنتی به ادبیات، قائل به «زیبایی‌شناسی دریافت»^{۱۷} بود و اعتقاد داشت متن معنای موروثی ندارد؛ یعنی متن از آنچه بوده است، سخن نمی‌گوید؛ بلکه در هر دوره به پرسش‌های مخاطبان آن دوره پاسخ می‌دهد (Culler, 2001: 59).

نظریه یاوس عبور از «نویسنده» و «اثر» به «متن» و «خواننده»ی آن است (Holub, 1984: xii). در این نظریه، اثر ادبی نه فقط متن است و نه خواننده؛ بلکه آمیزه‌ای است از هر دوی آن‌ها. یاوس برای توضیح این دیدگاه از عقاید کارل پوپر^{۱۸} کمک گرفت و اصطلاح کلیدی «افق انتظارات» را محور نظریه زیبایی‌شناسی دریافت قرار داد و به شرح آن پرداخت. افق انتظارات مورد نظر یاوس در دوره‌های مختلف تاریخی

تغییرپذیر است و معنای متن ادبی وابسته به پاسخ‌هایی است که در هر دوره به افق انتظارات غالب آن دوره می‌دهد (Culler, 2001: 59).

به بیان دقیق‌تر و از دید یاوس، افق انتظارات خوانندگان گوناگون هر متن ادبی بر ساخته سه عامل عمده است:

- گستره و درون‌مایه مطالعات ادبی - تاریخی خواننده؛

- میزان آگاهی‌های وی از ژانر اثری که می‌خواند؛

- تجربه زیبایی‌شناختی خواننده در حین خواندن اثر (Culler, 2001: 59; Jauss, 2005: 23).

این تجربه زیبایی‌شناختی متأثر از بافت تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی‌ای است که خواننده اثر ادبی در آن زیسته است. همچنین، این تجربه عموماً تحت تأثیر نحله فکری‌ای است که خواننده به آن وابسته بوده یا آگاهی‌هایی درباره آن داشته است. بنابراین، افق فهم و دریافت متن ادبی در هر دوره تاریخی بازسازی می‌شود و پیشنهاد یاوس بررسی تاریخی روند این تغییر و تحولات بود.

چنین بررسی‌هایی به آگاهی از میزان موفقیت متن ادبی در طول تاریخ حیات آن، چرایی پذیرش یا عدم پذیرش آن در دوره‌های مختلف و نیز آگاهی از روند درک تدریجی آن متن منجر می‌شود. اینکه اثر ادبی در لحظه تاریخی ظهور و نمودش، انتظارات اولین مخاطبان را برآورده می‌کند یا از زمانه خود پیشی گرفته، مخاطبان هم‌عصر خود را ناکام می‌گذارد، از مباحثی است که به زعم یاوس (2005: 25)، باید بررسی شود.

نظریه زیبایی‌شناسی دریافت تاحدی آرمانی به نظر می‌رسد؛ زیرا جمع‌آوری تمام آرا، اقتباس‌ها و آثاری که در پیوند با شاهکار ادبی، در طول زمان‌ها و مکان‌های مختلف ارائه شده‌اند، کاری بسیار گسترده و دشوار است که نه یاوس و نه پیروان مکتب وی هنوز قادر به انجام آن نشده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد پژوهشگران ادبی می‌توانند با بررسی افق انتظارات متن ادبی در دوره‌ای کوتاه از تاریخ حیات آن، قطعات پازلی را فراهم آورند که پس از سال‌ها به هم پیوند خورده‌اند و نمایی کلی از تاریخ حیات آن متن را آشکار نمایند. تلاش‌های یاوس نیز نمونه‌های کوچکی از همین دست بود.

برای مثال، یاوس دو اثر نسبتاً هم‌مضمون، یعنی *مادام بواری* اثر فلوبر را که در زمانه خویش مورد نقد و انکار بود با *کیپل* اثر فیدو که در بستر تاریخی - فرهنگی دیگری مورد استقبال قرار گرفت، مقایسه کرده و به تحلیل چرایی این پدیده پرداخته است. وی مشابه همین تحقیق را در باب دو اثر از راسین و گوته با نام *ایمی ژنی* انجام و نشان داده است که چگونه در عصر گوته، کلاسیسیم تاریخی به کلاسیسیم زیبایی‌شناسی تغییر کرده است. او در پژوهشی دیگر با بررسی *گل‌های بدی* اثر بودلر نشان داد که چگونه تغییر افق انتظارات در فرانسه در میانه قرن نوزدهم، موجب تغییر در شیوه نگارش بودلر شد (Culler, 2001: 60-62). یاوس معتقد بود «رابطه بین ادبیات و مخاطب نشانگر این واقعیت است که هر اثر، مخاطب مخصوص خودش را دارد؛ مخاطبی که به لحاظ تاریخی و جامعه‌شناختی قابل شناسایی است و اینکه هر نویسنده‌ای به محیط، دیدگاه‌ها و ایدئولوژی مخاطب خود وابسته است» (2005: 26). به عبارت دیگر، این تاریخ است که شیوه درک و دریافت متن را تعیین می‌کند؛ خواه این متن *شاهنامه* باشد خواه اثری از شکسپیر^{۱۹} و خواه هریک از دیگر شاهکارهای ادبی جهان.

۳-۴. نمونه پیشنهادی

پیشنهاد نگارنده در این جستار، روی آوردن به تهیه و تألیف کتابنامه‌های توضیحی^{۲۰} با رویکرد نظریه زیبایی‌شناسی دریافت است. در این نوع از کتابنامه‌ها محققان ادبی می‌توانند ضمن مرور و معرفی کتاب‌ها و مقالات، زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها را بررسی کنند، میزان تعلق آن‌ها به گفتمان‌های روزگار خود را مشخص کنند و به تحقیق در چرایی توجه به متن ادبی در دوره تاریخی خاصی بپردازند.

اگر قصد داشته باشیم کتابنامه توضیحی متنی ادبی را بنویسیم، اصل مهم، انتخاب این متن از میان شاهکارهای ادبی است؛ متنی که سیطره زمانی و جغرافیایی وسیعی داشته و توانسته باشد در طول تاریخ حیات خویش با مخاطبان دوره‌های گوناگون گفت‌وگو کند. برای مثال، *شاهنامه* را برمی‌گزینیم. نخستین گام انتخاب دوره تاریخی است. بدیهی است باید مبدأ و مقصدی تاریخی را برگزینیم؛ مثلاً سال‌های ۱۳۰۴ (آغاز

سلطنت پهلوی) تا ۱۳۸۴ (پایان دولت اصلاحات). گام دوم در تهیه «کتابنامه توضیحی شاهنامه و فردوسی با رویکرد نظریه یاس»^{۱۱}، بازنمایی افق انتظارات در هر دوره تاریخی است. با بررسی جراید و نشریات و کتاب‌های تاریخی هر دوره می‌توان به آگاهی‌هایی درباره افق انتظار غالب در آن دوره دست یافت. گام سوم و نهایه این تحقیق، بررسی نسبت کتاب‌های منتشرشده با افق انتظارات بازنمایی‌شده هر دوره تاریخی است. به این ترتیب، کتابنامه‌ای فراهم خواهد آمد که جز توصیف کتاب‌های منتشرشده در این سال‌ها درباره شاهنامه و فردوسی مشخص خواهد کرد که کدام مجموعه از کتاب‌ها با حمایت کدام نهادهای حمایتگر یا تحت تأثیر کدام گفتمان یا ایدئولوژی شکل گرفته‌اند.

بررسی کتاب‌های منتشرشده در باب شاهنامه در سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۸۴ از این دیدگاه نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۲۰ که سال‌های ملی‌گرایی، باستان‌ستایی و اعتبار بخشیدن به سیاست‌های ناسیونالیستی بوده، شاهنامه نیز دست‌مایه تبلیغ و ترویج ایدئولوژی غالب قرار گرفته است. در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ با آزادی نسبی جریان‌های سیاسی، مطبوعات و نهادهای اجتماعی، شاهد تعدد و تنوع زمینه‌های شاهنامه‌پژوهی و نیز رونق پژوهش‌های دانشگاهی در حوزه شاهنامه هستیم. سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷ که در عرصه سیاسی دوران نمایش اقتدار فرهنگی و تمدن باستانی بوده، شاهنامه نیز عموماً مورد بهره‌برداری‌های نمادین قرار گرفته است. در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۶۹ که دوره غلبه ایدئولوژی دینی و مقابله با شاه و شاه‌پرستی بوده، به شاهنامه نیز بی‌توجهی شده است. در این سال‌ها، بخش زیادی از پژوهش‌های مربوط به شاهنامه در خارج از ایران به چاپ رسیده و پژوهشگران در داخل ایران شاهنامه را با رویکردهای دینی و اسلامی بررسی کرده‌اند. در سال‌های پس از برگزاری هزاره سرایش شاهنامه در ایران (۱۳۶۹ به بعد) نیز پژوهش‌های شاهنامه رونق گرفته و نسبت این پژوهش‌ها با افق انتظارات غالب قابل بازیابی است.

به زعم نگارنده، با شکل‌گیری چنین کتابنامه‌هایی جز ایجاد تغییر در شیوه‌های کلاسیک تهیه کتابنامه‌های ادبی، مجموعه‌هایی فراهم خواهد آمد که می‌تواند بخشی از تاریخ معنای هر متن ادبی باشد. همچنین، می‌توان بررسی کرد که روند تاریخی پیدایی

کتاب‌ها و مقالات درباره هر شاعر ادبی چه بوده است؟ شاعران ادبی چگونه توانسته‌اند در هر دوره ماهیت خویش را حفظ نمایند و با گفت‌وگو با مخاطبان هر دوره به پرسش‌های زمانه آن‌ها پاسخ دهند. چنین کتابنامه‌هایی خواهند توانست علاوه بر دربرداشتن آگاهی‌هایی کلی درباره کتاب‌ها و مقالات، به پرسش‌هایی از این دست نیز درباره متنی که کتابنامه آن را فراهم آورده‌اند، پاسخ دهند:

- متن ادبی مورد نظر در تاریخ حیات خویش، چگونه رخ نموده و تا چه حد قابلیت روزآمد شدن داشته است؟

- متن در موقعیت‌های مختلف تاریخی چه نقش‌های متفاوتی را ایفا کرده است؟

- وابستگی متن به سنت معنایی و گسست آن از سنت معنایی خود، در هر دوره تاریخی چقدر بوده است؟

- نسل‌های مختلف در گفت‌وگو با آن چه پرسش‌هایی را طرح کرده‌اند؟ (ر.ک: فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

۵. نتیجه

کتابنامه‌های ادبی موجود که در دهه اخیر و در پاسخ به نیازهای پژوهشی روزگار خود پدید آمده‌اند، با وجود کارآمدی، در زمانه ما نیازمند بازنگری‌اند. در این سال‌ها، رشد سریع فناوری دسترسی به بسیاری آگاهی‌های کتاب‌شناختی را برای پژوهشگران ساده کرده است و به نظر می‌رسد زمان آن فرارسیده که با نگاهی تحلیلی-تاریخی، چرایی و چگونگی شکل‌گیری جریان‌های پژوهشی درباره متون برجسته ادبی را بررسی کنیم و وجه دیگری از حیات این متون را آشکار نماییم.

این موضوع نیم‌قرن پیش مورد توجه هانس رابرت یاسوس، منتقد آلمانی، نیز قرار گرفت. وی معتقد بود در نگارش تاریخ ادبیات نه فقط به سرگذشت پدیدآورنده متن ادبی، بلکه به تاریخ حیات و معنای آن در سال‌های پس از آفرینش نیز باید توجه کرد. به نظر می‌رسد نظریه یاسوس، یعنی نظریه زیبایی‌شناسی دریافت، قابل بهره‌برداری در تهیه کتابنامه‌های ادبی نیز است. با این رویکرد می‌توان کتابنامه‌هایی فراهم آورد که علاوه بر دربرداشتن آگاهی‌هایی کلی درباره کتاب‌ها و مقالات پدیدآمده درباره شاعران

ادبی، به تحلیل معنای تاریخی آن در سال‌های پس از حیاتش نیز بپردازد و نسبت آن متن را با افق انتظارات دوره‌های مختلف تاریخی روشن نماید.

پی‌نوشت‌ها

1. naive bibliography
2. descriptive bibliography
3. annotated bibliography
4. book-review bibliography
5. enumerative bibliography
6. analytical bibliography
7. critical bibliography
8. historical bibliography
9. textual bibliography
10. selective bibliography
11. book review

۱۲. تاریخ معنای اثر ادبی مجموعه‌ای از شرح‌ها، تأویل‌ها، تفسیرها، اقتباس‌ها و بازآفرینی‌های آن است که به‌مرور و در طی سال‌های حیات آن پدید آمده است. هر شاهرکار ادبی قابلیت دارد که متناسب با مقتضیات دوره‌های مختلف تاریخی، به‌واسطه حکومت‌ها، اقوام، پژوهشگران، هنرمندان و حتی مردم عادی، نوبه‌نو تفسیر شود. بررسی کروئولوژیک مجموعه این تفاسیر، تاریخ معنای آن شاهرکار ادبی را آشکار خواهد کرد.

13. Hans Robert Jauss (1921-1997)

14. horizon of expectations

۱۵. در حوزه نقد ادبی، نظریات بسیار دیگری نیز وجود دارد که نقشی کلیدی برای خواننده قائل است؛ مثلاً نظریات ولفگانگ آیزر، از پیروان مکتب یاوس، که معتقد است در معنای هر متن همیشه جای خالی‌ای وجود دارد که فقط به‌واسطه خواننده پر خواهد شد یا استنلی فیش، منتقد امریکایی، که بر این باور است هر خواننده با اطلاعات زبان‌شناسی و قابلیت‌های هنری خویش دریچه تازه‌ای به روی معنای متن می‌گشاید. نظریه نشانه‌شناسی خوانش از جان‌اتان کالر نیز تاحدودی همسو با نظریات یاوس بوده و چگونگی معنادار شدن متن به‌واسطه تفاسیر و قضاوت‌های خوانندگان را بررسی می‌نماید (Culler, 2001: 54). برخی نظریات پدیدارشناسانه هوسرل، هایدگر و گادامر و یا نظریات هرمنوتیکی دیلتای، هرش و بتی نیز بر نقش مخاطب در فهم معنای متن تأکید می‌کند؛ اما آنچه نظریه «زیبایی‌شناسی دریافت» را به‌عنوان بهترین راهکار پیش روی ما قرار داده، وجود مفهوم کلیدی «افق انتظارات» است.

۱۶. نظریه یائوس از آنجا که پیشنهاد می‌دهد پژوهشگران تاریخ ادبی به بررسی فرازوفرودهای متن ادبی در طی تاریخ حیاتش پردازند و میزان توجه و بی‌توجهی به آن در دوره‌های تاریخی گوناگون را تحلیل کنند، بیشتر در مورد شاهکارهای ادبی تعمیم‌پذیر است و درباره آن دسته از متون ادبی که کمتر مورد توجه خوانندگان قرار گرفته‌اند، قابل بررسی نیست.

17. Aesthetic of Reception

18. Karl Popper (1902-1994)

۱۹. حال آنکه یان کات (Jan Kott, 1914-2001)، منتقد و نظریه‌پرداز تئاتر در قرن بیستم، همین معنا را به زبانی دیگر مطرح می‌کند. وی معتقد است: «آثار شکسپیر مانند جهان است یا شبیه به خود زندگی. هر دوره تاریخی می‌تواند آنچه را که در جست‌وجو یا خواستار دیدنش بوده است، در آثار او بیابد. خواننده یا تماشاگر نیمه قرن بیستم، ریچارد سوم را از طریق تجربیات خویش تأویل می‌کند» (کات، ۱۳۹۱: ۳۷).

20. annotated bibliography

منابع

- افشار، ایرج (۱۳۵۲). *کتاب‌شناسی موضوعی ایران*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی (تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- باقری، بهادر (۱۳۸۷). *فرهنگ شرح‌های حافظ*. تهران: امیرکبیر.
- حری، عباس (۱۳۹۱). *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- حسام‌پور، سعید و کاووس حسن‌لی (۱۳۸۹). *کارنامه تحلیلی خیام‌پژوهی در ایران*. تهران: نشر علم.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۰). *فرهنگ سعدی‌پژوهی*. شیراز: مرکز سعدی‌شناسی.
- _____ (۱۳۸۸). *راهنمای موضوعی حافظ‌شناسی*. شیراز: نوید شیراز.
- دیگن، مریلین و سیمون تانر (۱۳۹۴). *آینده دیجیتال کتابخانه‌ها (راهبردهای برای عصر دیجیتال)*. ترجمه عباس گیلوری. تهران: نشر کتابدار.
- سالمیان، غلامرضا (۱۳۸۶). *کتاب‌شناسی توصیفی سنایی غزنوی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قربانی، زهرا (۱۳۹۴). *کتاب‌شناسی شاهنامه فردوسی و شاهنامه (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷)*. تهران: سوره مهر.

- کات، یان (۱۳۹۱). *شکسپیر معاصر ما*. ترجمه رضا سرور. ج ۲. تهران: بیدگل.
- کومار، کریشان (۱۳۷۴). *روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ترجمه و مقدمه از عباس حری. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- محمدی‌فر، محمدرضا (۱۳۸۰). *آشنایی با مدرک‌شناسی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میرزادی، محمود (۱۳۸۸). *کتاب‌شناسی توصیفی و مقاله‌نمای بی‌پتی*. تهران: مگستان.
- الندیم، محمدبن ابی‌یعقوب اسحاق (۱۳۸۱). *الفهرست*. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: اساطیر.
- نوروزی، زینب (۱۳۹۲). *فرهنگ نظامی پژوهی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- دانشگاه تورنتو. «Writing an Annotated Bibliography». آخرین دسترسی ۲۵ آبان ۱۳۹۴. در: <http://www.writing.utoronto.ca/advice/specific-types-of-writing/annotated-ibliography>
- یوان.سی. (۲۰۱۵). «کتاب‌شناسی‌های توضیحی». آخرین دسترسی ۲۵ آبان ۱۳۹۴. در: http://www.library.mun.ca/researchtools/guides/writing/annotated_bibl/
- Afshār, I. (1973). *Ketāb shenāsi-ye mozui-ye Iran*. Tehran: Bongāh-e Tarjomeh o Nashr-e Ketāb. [in Persian]
- Āghāgolzādeh, F. (2006). *Tahlil-e Gofte-man-e Enteghadi*. Tehran: 'Elmi o Farhanghi Publication. [in Persian]
- 'Alnadim, M. (2002). *'Alfhe rest*. M. Tajaddod (Trans.). Tehran: 'Asātir Publication. [in Persian]
- Bāgheri, B. (2008). *Farhang-e sharh-hā-ye Hāfez*. Tehran: 'Amir Kabir Publication. [in Persian]
- Culler, J. (2001). *The Pursuit of Signs: Semiotics, Literature, Deconstruction*. London: New Fetter Lane.
- Deignan, M. & S. Tanner (2015). *Āyandeh-ye Dijitāli-ye Ketābkhāneh-ha*. A. Gilvari (Trans.). Tehran: Ketābdār Publication. [in Persian]
- Ghorbani, Z. (2015). *Ketābshenasi-ye Ferdowsi o Sgāhnāme (1978-2008)*. Tehran: Sureh-ye Mehr Publication. [in Persian]
- Hans Robert Jauss (2005). *Toward an Aesthetic of Reception*. Timothy Bahti (Trans.). Minneapolis: University of Minnesota Press.

- Hasanli, K. (2001). *Farhang-e S'adi Pazhuhi*. Shirāz: S'adi Pazhuhi Center. [in Persian]
- Hasanli, K. (2009). *Rāhnamā-ye mozu'i-ye Hafez Shenāsi*. Shirāz: Navid Publication. [in Persian]
- Hesāmpur, S. & K. Hasanli (2010). *Kārnameh-ye Tahlili-ye Khayyām Pazhuhi dar Iran*. Tehran: 'Elm Publication. [in Persian]
- Horri, A. (1912). *Moruri Bar 'Etelā'āt o 'Etelā'ā Rasāni*. Tehran: Nahād-e Ketābkhāneh-ha-ye 'omumi-ye Keshvar. [in Persian]
- Kott, J. (2012). *Shekspir-e Moāser-e Ma*. R. Sorur (Trans.). Tehran: Bidgol Publication. [in Persian]
- Kumar, K. (2015). *Ravesh-hā-ye Pazhuhe sh Dar Ketābdāri o 'Etelā Resāni*. A. Horri (Trans.). Tehran: Ketābkhaneh-ye Melli Publication. [in Persian]
- Memorial University Libraries. "How to Write Annotated Bibliographies". Accessed 16 November 2015. in: http://www.library.mun.ca/researchtools/guides/writing/annotated_bibl/
- Mirzādi, M. (2009). *Ketāb Shenāsi-ye Tosifi o Maghāleh Noma-ye Beyhaghi*. Tehran: Magestān Publication. [in Persian]
- Mohammadi-far, M. (2001). *Āshna-I ba Madrak Shenāsi*. Tehran: Vezārat-e Farhang o 'Ershād-e 'Eslāmi Publication. [in Persian]
- Nowruzi, Z. (2013). *FarHang-e Nezāmi Pazhuhi*. Tehran: 'Elmi o Farhanghi Publication. [in Persian]
- Robert, C. (1984). Holub, *Reception Theory: A Critical Introduction*. London and New York: Methuen.
- Sālemiān, Gh. (2007). *Ketābshenāsi-ye Tosifi-ye Sanāi-ye Ghaznavi*. Tehran: Nashr-e Dāneshghāhi Center. [in Persian]
- University of Toronto. "Writing an Annotated Bibliography". Accessed 16 November 2015. in: <http://www.writing.utoronto.ca/advice/specific-types-of-writing/annotated-ibliography/>